

بررسی و نقد ترجمه کتاب «معنی‌شناسی»

مهین حاجی‌زاده*

چکیده

در عصر حاضر، مباحث مرتبط با معنی‌شناسی عمق و دامنه بیشتری به خود گرفته است و اندیشمندان این رشته مباحث و نظریه‌های مختلفی را در این خصوص عرضه کرده‌اند و دانش زبان‌شناسی به ویژه معنی‌شناسی به صورت علمی مستقل مطرح شد. از جمله این دانشمندان احمد مختار عمر می‌باشد که با تالیف کتاب "فی علم الدلاله" به نظریه‌های معنی‌شناسی پرداخته است. اثر مذکور توسط سید حسین سیدی به زبان فارسی برگردانده شده است. پژوهش حاضر در صدد است تا با تکیه بر روش نقد و تحلیل، این اثر را مورد واکاوی قرار داده و نقاط ضعف و قوت آن را بازشناساند. در این راستا نخست به بررسی اجمالی متن مبدأ؛ سپس به نقد ترجمه آن پرداخته شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد؛ اثر حاضر فقط به عنوان یک کتاب کمک درسی می‌تواند برای دروس فقه اللغة، واژه‌شناسی، زبان‌شناسی کاربردی و ترجمه استفاده گردد؛ اما جامعیت یک کتاب درسی را ندارد.

کلیدواژه‌ها: زبان عربی، کتاب معنی‌شناسی، احمد مختار عمر، نقد ترجمه.

۱. مقدمه

یکی از بخش‌های دانش زبان‌شناسی، معنی‌شناسی می‌باشد که در سال‌های اخیر مورد توجه خاص زبان‌شناسان قرار گرفته است. از آنجا که زبان‌شناسی به مطالعه‌ی زبان می‌پردازد انتظار می‌رود که معنی‌شناسی نیز به مطالعه‌ی معنا بپردازد. اما تعریف "معنا" با همان مشکلاتی همراه است که همه‌ی زبان‌شناسان با تعریف «هجا»، «تکواژ»، «واژ» «فرهنگ»، «جامع»، «زبان» و اقسام اینها دارند.

* دانشیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان. Hajizadeh_tma@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۲۸

منظور اصلی از معنی‌شناسی، شناخت توانایی سخنگویان به یک زبان در فهمیدن صحبت‌ها و پی بردن به منظورهای یکدیگر است و زبانشناس باید دریابد که به چه دلیل سخنگوی یک زبان با شنیدن پاره‌ای از کلمات معنی و مفهومی برای آن متصور شده و لذا آن را با معنی می‌داند و برخی دیگر را بی‌معنی و مهمل می‌خواند و نیز بعضی از جملات هم‌زبان خود را فهمیده، می‌پذیرد و بعضی دیگر را به عنوان جملات بی‌معنی رد می‌کند حتی اگر قبلاً هیچ یک از آنها را نشنیده باشد. (باقری، ۱۳۸۳: ۱۹۷) بلومفیلد (۱۹۳۳) معنی یک صورت زبانی را عبارت از «موقعیتی که گوینده سخنی را ادا می‌کند و پاسخی از شنونده که آن سخن باعث می‌شود» می‌داند (ضیاء حسینی، ۱۳۸۹: ۹۷)

بررسی درباره‌ی معنی از هنگامی شروع شد که بشر درباره‌ی زبان به آگاهی‌هایی دست یافت و دریافت که به رغم ظاهر روشن و بی‌ابهام الفاظ و جملات، لایه‌های پنهانی از معنی وجود دارد که مخاطب می‌بایست به آنها توجه کند و لا به لای عبارت آنها را استنباط کند. یونانیها، هندیها، رومی‌ها و علمای اسلامی از جمله ملل قدیمی هستند که در این زمینه اقدامات جالب توجهی را انجام داده‌اند.

در دوره‌ی معاصر، تحول بسیاری در مفهوم اصطلاحات قدیم رخ داده است و ابعاد خاصی را به خود گرفته که از آن پژوهش‌های اولیه خارج و دامنه بحث در آن گسترش یافته است. اصطلاح «دلالت» جزء همان اصطلاحاتی است که مفاهیم آن در دوران معاصر متبلور شده و پژوهش در آن عرصه‌های مختلفی از زندگی مردم را شامل می‌شود و نیز با علوم مختلف بشری از قبیل روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، منطق و علوم ارتباطات و غیره تداخل پیدا کرده است. این تصویری که در آن معنی‌شناسی به عنوان پایه و اساس چندین علم جدید واقع شده، نتیجه‌ی پژوهش‌های تخصصی زبان است و به گفته مختار عمر «بررسی قضایای معنی‌شناسی به مفهوم علمی و به شیوه‌های خاص پژوهشی و به دست زبان‌شناسان متخصص، ثمره‌ی مطالعات زبان‌شناسی نوین است». (مختار عمر، ۱۹۸۲: ۲۲).

میشل بریال اولین پژوهش علمی معاصر پیرامون معنی، را انجام داد. گفته می‌شود وی مؤسس معنی‌شناسی به معنای متعارف امروزی است و اولین کسی است که صرفنظر از بررسی تحولات معنی در طی سال‌ها به بررسی خود معنی پرداخت. وضع اصطلاح «سمنتیک» برای پژوهش‌های زبانی را به او نسبت داده‌اند. او در تعیین موضوع معنی‌شناسی و وضع اصطلاح آن بی‌شک از تلاشها و مطالعات زبان‌شناسان پیش از خود بهره برده است. اما عده‌ی بر این عقیده هستند که فضیلت میشل بریال در این است که وی

کتاب مستقلی را در باب معنی‌شناسی با عنوان «کوششی در معنی‌شناسی» تالیف کرده است و در آن از اهمیت علم معنی‌شناسی سخن گفته و روش جدیدی را در بررسی معنی ابداع کرده است. (المسدی، ۱۹۸۶: ۱۰۴؛ سمران، ۱۹۹۷: ۲۴۵)

اما نکته حائز اهمیت آن است که اندیشه در پژوهش‌های متعلق به معنی و رابطه‌ی آن با الفاظ، اشتقاق، تضمین، مجاز و حقیقت، و غیره موضوعاتی هستند که علمای قدیم مسلمان قبل از اروپائی‌ها به آنها اهتمام ورزیده بودند. دلیل آن هم عمدتاً به غنای زبان عربی باز می‌گردد. چون هر لفظی در زبان عربی دارای تداعی‌ها و القاءات مختلفی است و در ترکیب‌های مختلف با معانی متفاوتی به کار می‌رود. زبان‌شناسان معاصر همه به اتفاق معتقدند که پژوهش‌های معنایی نزد اروپائیان به صورت پژوهش‌های نوین زبانی در اواخر قرن نوزدهم آغاز شد. (ابوناظر، ۱۹۹۰: ۲۳) اما غالب این پژوهش‌ها نزد عرب، پژوهش‌های قدیمی هستند که زبان‌شناسان اسلامی قرن‌ها پیش در بسیاری از جنبه‌های آن به تفصیل سخن گفته و بحث کرده‌اند، بگونه‌یی که حتی امروزه زبان‌شناسان معاصر نیز در برخی از آن موضوعات به پای آنها نرسیده‌اند و نظریاتی که امروزه به عنوان نظریه‌های نوین معنایی مطرح می‌کنند، برخی از آنها قرن‌ها پیش توسط علمای مسلمان مطرح شده بود، و زبان‌شناسان معاصر عیناً به تکرار آنها پرداخته‌اند و یا گاهی به علت عدم شناخت میراث فرهنگی گذشتگان تصور می‌کردند که خود برای اولین بار است که به ذکر و طرح آنها می‌پرداختند. اما در هر صورت در عصر حاضر، مباحث مرتبط با معنی‌شناسی عمق و دامنه بیشتری به خود گرفته و علمای این رشته مباحث و نظریه‌های مختلفی را در این خصوص عرضه کرده‌اند و بطور کل پژوهش درباره‌ی آن چه که در زبان معنا دار است و آن چه که فاقد معناست، اغلب از اندیشه‌ی علمای معاصر نشأت می‌گیرد که نتیجه‌ی حاصل آن است که تعیین کامل و مطلق معنای جمله امری دشوار است و محال است که بتوان معیاری قطعی و ثابت برای تعیین معنای جمله اتخاذ کرد. زیرا طبیعت و ماهیت زبان به سمت تحول و تجدد، گرایش دارد و منطق تجویز را نمی‌پذیرد (حاجی‌زاده، ۱۳۸۸: ۴۶). احمد مختار عمر از دانشمندان معاصر حوزه معنی‌شناسی در مصر به شمار می‌آید. وی در این زمینه تالیفات متعددی دارد. کتاب "فی علم الدلاله" مشهورترین و جامع‌ترین کتاب وی در حوزه مورد نظر است. اثر مذکور با رویکرد پرداخت به معنا در قاهره منتشر شد و در سال (۱۳۸۵) توسط سید حسین سیدی استاد دانشگاه فردوسی مشهد به زبان فارسی برگردانده شد که پژوهش حاضر می‌کوشد این اثر و بویژه ترجمه آن را مورد نقد و کنکاش قرار دهد. البته باید در نظر داشت که آنچه از نقد در نظر اول به ذهن متبادر می‌شود، ایراد

و اشکال گرفتن از یک کار یا اثر علمی و هنری است، اما در واقع نقد نه ایراد و خرده-گیری است نه اشکال‌تراشی، بلکه علم ارزیابی و سنجش میزان اعتبار علمی یک اثر است که مانند سایر رشته‌های علمی، قواعد و اصول خاص خود را دارد که به آن «روش‌شناسی نقد» گفته می‌شود. امروزه نقد در تمامی عرصه‌های علمی، هنری و ادبی وجود دارد و با پیشرفت روزافزون علوم از دیدگاه‌های مختلف به آن نگرسته می‌شود، مانند نقد از دیدگاه هرمنوتیک، مدرنیسم، پست مدرنیسم و غیره، لذا آگاهی از اصول نقد علاوه بر اینکه به ما کمک می‌کند تا از خرده‌گیری‌های غیراصولی و بعضاً به دور از اخلاق علمی درباره آثار دیگران برحذر باشیم سبب می‌شود که به دیدی کارشناسانه مسلح شویم، آنگاه درباره آثار دیگران قضاوت کنیم و امیدوار باشیم که با انتقاد اصولی و ضابطه‌مند است که می‌توان زمینه توسعه علمی جامعه را فراهم آورد و روزنه‌های جدیدی به روی علم و تحقیق گشود. با توجه به چنین رویکردی است که مقاله حاضر می‌کوشد اثر مذکور و سپس ترجمه آن را از جنبه شکلی و محتوایی مورد بررسی قرار دهد.

۲. معرفی کلی اثر

کتاب "علم الدلالة" (معنی‌شناسی) با هدف معرفی اجمالی مهم‌ترین نکات مورد بحث در دانش معنی‌شناسی است که آن را احمد مختار عمر در چهار بخش و ۲۹۷ صفحه به رشته تحریر در آورده است. هدف کتاب مذکور معرفی اجمالی مهم‌ترین نکات مورد بحث در دانش معنی‌شناسی و بومی‌سازی این مباحث بوده که با اشراف نویسنده بر مباحث جدید این کار تاحدی میسر شده است.

این کتاب اهم مبانی معنی‌شناسی و همچنین رویکردهای نو در این حوزه را معرفی می‌کند. در این کتاب استفاده از آرای غریبان در زمینه معنی، از افلاطون گرفته تا نظریه‌های معنایی فرث، بلومفیلد، فیلمور و غیره در قرن بیستم و نزدیک به آن و نیز آرای برخی علمای اسلامی از سیبویه و ابن جنی گرفته تا سیوطی و تفتازانی و غیره پرداخته شده است. از ویژگی‌های بارز این کتاب، تلفیق نظریات جدید و قدیم در باب معنا با حذف بحث‌های تکراری می‌باشد. در واقع نویسنده میان مباحث جدید و قدیم پلی زده است.

کتاب در قالب چهار بخش به مباحث زیر می‌پردازد:

در بخش اول کتاب، نویسنده در پنج فصل به مباحث کلی در قالب‌های معناشناسی، نگرش تاریخی، واحد معنایی، انواع معنا و سنجش معنا می‌پردازد.

بخش دوم را مؤلف به ماهیت دلالت در پژوهش‌های معنی‌شناسی نوین و نظریه‌های جدید معنی‌شناسی از قبیل نظریه ارجاعی و تصویری، نظریه رفتارگرایی، نظریه بافت، نظریه حوزه‌های معنایی، نظریه تحلیلی و رویکردهای دیگر اختصاص داده است. مشکلات تعدد معنایی در قالب مباحث انواع روابط معنایی از قبیل اشتراک لفظی، اضداد، ترادف، مباحث بخش سوم کتاب می‌باشد که نویسنده دیدگاه قدما و زبان‌شناسان معاصر را با هم تلفیق و مقایسه نموده است. در بخش پایانی با عنوان بررسی تاریخی تطبیقی به تغییر معنا و مشکلات دلالت در ترجمه به تفصیل پرداخته شده است.

همان‌طور که اشاره شد ترجمه این اثر توسط دکتر سید حسین سیدی، عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی مشهد در ۲۲۴ صفحه صورت گرفته و ویراستاری آن توسط دکتر رضا زمردیان و دکتر علی منتظمی انجام شده است. زندگی‌نامه و آثار احمد مختار عمر

احمد مختار عمر از دانشمندان معاصر حوزه معنی‌شناسی در مصر به شمار می‌آید. در سال ۱۹۳۳ در قاهره متولد شد. پس از حفظ قرآن به دانشگاه الأزهر و سپس به دارالعلوم راه یافت و پس از اخذ مدرک کارشناسی در رشته زبان شناسی در مقطع کارشناسی ارشد با تحقیق پیرامون دیوان "الأدب" فارابی که موضوع پایان‌نامه وی بود و بعدها توسط انتشارات مجمع اللغة العربیه در قاهره در ۵ جلد به چاپ رسید، فارغ التحصیل شد سپس در همان رشته وارد دوره‌ی دکترای دانشگاه کمبریج شد. او به عنوان استاد در دانشکده-های التریبه در طرابلس (لیبی) و الأداب دانشگاه کویت و دانشکده دارالعلوم دانشگاه قاهره مشغول به تدریس شد.

هر چند رشته تخصصی احمد مختار عمر در زمینه معنی‌شناسی بود اما این امر مانع از آن نشد که در رشته‌های دیگر طبع آزمایی نکند. وی در حوزه‌های مختلف زبان و ادبیات عربی صاحب اثر و نظر بود. سه اثر زیر پیشگامی او را در زمینه مباحث زبان عربی اثبات می‌کند:

کتاب "فی علم الدلاله" که مشهورترین و جامع‌ترین کتاب در حوزه مورد نظر است. در کتاب "اللغه و اللون" و "اللغه و النوع" که روش او در این کتاب‌ها در زمینه مباحث علم زبان شناسی بی سابقه بوده است.

کتاب "صناعه المعجم العربی" که در زمینه انطباق مباحث قدیم و جدید در حوزه معجم نویسی اثری ارزنده به شمار می‌آید. رویکرد پژوهشی این مؤلف در زمینه موضوعات زیر است:

تعریف مهم‌ترین دستاوردهای زبان‌شناسان عرب در زمینه‌های آواشناسی، صرف، نحو، معجم‌نویسی و معنی‌شناسی.

تحقیق درباره متون زبان‌شناسی ارزشمند که در این زمینه به تحقیق دیوان "الأدب" فارابی و کتاب "المنجد فی اللغه" پرداخته است.

پرداختن به مباحث جدید در زبان‌شناسی از طریق ترجمه‌هایش از انگلیسی به عربی یا تالیفاتی که مشتمل بر مباحث قدیم و جدید در این زمینه است.

تالیف فرهنگ‌ها مثل فرهنگ موضوعی الفاظ قرآن کریم و قراءتها، معجم المکنز الکبیر، معجم الصواب اللغوی، معجم الفاظ الحضاره فی القرآن الکریم و صناعه المعجم الحدیث.

او همچنین در تالیف برخی معجم‌ها نیز مشارکت داشته است. مثل: المعجم الأساسی و معجم القراءات القرآنیه.

تصحیح انحرافات زبانی رایج در رسانه‌ها که در این زمینه می‌توان به کتاب‌های "العریبه الصحیحه" و "أخطاء اللغه العربیه المعاصره عند الکتاب و الإذاعیین" اشاره کرد.

تالیف کتاب‌هایی در تسهیل قواعد زبان عربی و معرفی روش‌های صحیح: مثل: النحو الأساسی، التدریبات اللغویه و القواعد النحویه.

حاشیه‌نویسی برای برخی کتب قدیم مانند حاشیه او بر سه جزء کتاب معجم تاج العروس زبیدی و کتاب الموضح فی التجوید عبد الوهاب قرطبی.

آثار مؤلف در زمینه علوم قرآنی:

قراءات قرآنی: در این زمینه کتاب "معجم القراءات القرآنیه" را در هشت جزء با همکاری دکتر عبد العال سالم به رشته تحریر در آورده است. سپس کتاب المعجم الموسوعی لألفاظ القرآن الکریم و قراءاته را در سال ۲۰۰۲ تالیف کرده است.

زبان قرآن: آثار ارزشمند مؤلف در این زمینه عبارتند از: لغه القرآن، دراسات لغویه فی القرآن الکریم و قراءاته، اسماء الله الحسنی... دراسه فی البنیه و الدلاله، الاشتراک و التضاد فی القرآن الکریم.. دراسه احصائیه و نیز کتاب ألفاظ الحضاره فی القرآن الکریم.

(<http://shamela.ws/index.php/author>)

۳. تحلیل ابعاد شکلی اثر

جذابیت ظاهری کتاب با توجه به خصوصیات روحی و سلائق دانشجویان و خوانندگان از اهمیت خاصی برخوردار است و از جهت برانگیزانندگی در امر یادگیری مؤثر است.

نوع جلد کتاب از موارد مهم است؛ زیرا جلد کتاب مانند نمای بیرونی یک ساختمان است و نخستین برخورد خواننده با کتاب دیدن جلد آن است. کیفیت نوع و جنس جلد کتاب-

های درسی دانشگاهی و خوش طرح و خوش رنگ بودن جلد آنها در صورتی که با سادگی طرح همراه باشد، زمینه ساز همسویی عاطفی خواننده با کتاب و محتوای آن خواهد شد. طراحی جلد کتاب شامل طرح روی جلد، پشت جلد و عطف کتاب می‌شود. اثر حاضر به صورت تک جلدی در قطع وزیری در ۲۲۴ صفحه توسط انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد در تیراژ هزار نسخه به چاپ رسیده است. به نظر می‌رسد طرح روی جلد آن ارتباط چندانی با عنوان کتاب (معناشناسی) ندارد. بهتر بود طرح روی جلد به گونه‌ای انتخاب می‌شد که به ژرفای متعلق به معنا اشاره می‌کرد.

صفحه آرایبی و قالب بندی صفحات به ویژه قرار گرفتن بی‌دلیل صفحات خالی در این اثر موجب گشته کتاب از ساختار زیبا و جذابی برخوردار نباشد. در صورتی که باید در نظر داشت «صفحه آرایبی کتاب شبیه به طراحی ساختمان است. گرافیکست با مشورت ویراستار و تأمل در فهرست مطالب کتاب و فصل بندی مشخص می‌کند که در آغاز هر فصل که همچون اتاقی است چه درگاه و دری بسازد تا خواننده با دیدن آن احساس کند که وارد فضای جدیدی شده است» (انوری، ۱۳۷۷: ۸۲).

یکی دیگر از مسائل صوری توجه به صحت چاپ اثر است. ظرافت و نفاست در جای خود مطبوع و غالباً مستحب است؛ آنچه در درجه اول واجب است برآوردن حداقل انتظارات معقول است. به مصالح چاپ وقتی می‌توان ایراد گرفت که صفحات بر هم سایه بیندازد یا فرضاً مرکب محو، یا حروف ساییده یا اندازه حروف نامتناسب با متن، خیلی درشت یا خیلی ریز باشد که در اثر حاضر چنین ایرادی مشاهده نمی‌شود. صحافی کتاب نیز خوب و بدون ایراد است. از دیگر محاسن این اثر، انگشت شمار بودن اغلاط چاپی آن است که متأسفانه در برخی کتاب‌ها این موارد به وفور دیده می‌شود. اما در اثر حاضر (ترجمه) جز چندین مورد مشاهده نشد که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

مثال: ص ۲۷ (نکته‌هایی بسیاری) - ص ۳۴ (کتاب شامل دوازده فصل اول است) - ص ۷۷ (بست به جای است)

طبیعت برگردان از زبانی به زبان دیگر، اقتضای ویراستاری دقیق ادبی و علمی را می‌نماید. اثر حاضر نیز با توجه به تخصصی بودن موضوع آن، نیازمند ویرایش ادبی و تخصصی است. این اثر علی‌رغم اینکه توسط دو تن از متخصصین و اهل فن زبان‌شناسی ویراستاری علمی گردیده است، با این وجود موارد زیادی دیده می‌شود که معادل‌یابی واژگان تخصصی به درستی صورت نگرفته است. (مثال‌های آن در بخش گزارش ارزیابی ترجمه بیان خواهد شد).

یکی دیگر از مسائل مهم صوری، نثر یک اثر اعم از ترجمه یا تألیف است که حتماً باید شیوا و رسا باشد. سلامت نحو و نثر از نخستین بایستنی‌های یک اثر است. رسایی متن به معنای آن است که «محتوای کتاب در عین مفهوم بودن، با انشایی پاکیزه و فراخور مباحث علمی و آراسته به اصطلاحات و تعبیرهای خاص زمینه‌مربوط تهیه و تدوین شود» (کاردان، ۱۳۸۲: ۱۹)

همچنین، روان بودن متن یعنی نثر کتاب از انسجام معنایی برخوردار باشد. این امر مستلزم آن است که ابتدا اجزاء سخن در جای خود نشانده شود و دوم، میان جمله‌های یک بند و نیز میان بندهای یک قسمت پیوند و ارتباط برقرار گردد.

در خصوص روانی و رسایی اثر حاضر نیز می‌توان گفت به طور کلی ترجمه اثر یک‌دست نیست؛ هر چند در برخی از فصول مانند فصل اول از بخش اول، ترجمه‌ها روان و رسا بوده و اشکالات موجود در ترجمه انگشت شمار است؛ اما فصل‌های دیگر از روانی و بویژه رسایی لازم برخوردار نبوده و ابهامات زیادی در جمله‌ها به چشم می‌خورد و از اصطلاحات خاص معنی‌شناسی نیز استفاده نشده است؛ در بسیاری از موارد ترجمه‌ها با متن اصلی ناسازگار بوده و مقصود نویسنده به درستی استنباط نشده است که به دلیل عدم ویراستاری ادبی این ابهامات و ترجمه‌های نادرست دو چندان شده است.

میزان رعایت قواعد نگارشی و کیفیت ساختار دستوری متن، یکی از شاخص‌های زبانی است که به نحوی به ویراستار ادبی کتاب نیز مربوط می‌شود. لازم است یک‌دستی رسم الخط و میزان رعایت دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی در نثر کتاب رعایت شود.

در اثر حاضر قواعد عمومی نگارش چندان رعایت نشده که در این ارتباط موارد زیر بیان می‌شود:

عدم استفاده از علائم سجاوندی مناسب در بسیاری از موارد
قرار نگرفتن کاما(،) میان برخی جملات وابسته به هم.
مانند: این توهم که مفهوم معنایی که بلومفیلد به آن حمله کرده است،] همان مفهوم معنایی است که ...

اما بلومفیلد معتقد است برای این که تعریف دقیقی از معنا در رابطه با هر ساخت در زبان ارائه دهیم،] ناگزیر باید علم دقیقی از هر چیز در جهان گوینده داشته باشیم.
آنچه دلالت دارد بر این که بلومفیلد به طور مطلق معنا را مورد حمله قرار نداده است،] آن است که وی روش یا نظریه‌ای به نام رفتارگرایی بررسی معنا ارائه نموده است.

استفاده نکردن از کاما در مواقع لزوم
مانند: بعد از این[،] رویکرد عربها متنوع گشت.
عدم استفاده از نقطه کاما(؛) در جایگاه مناسب
مانند: معناشناسی در خلال این دوره با نام‌هایی چون اوگدن[،] ریچاردز و آلفرد
کورزبسکی مرتبط است و آن را به مسیری بردند که به طور کامل با خط سیر فلسفی منطبق
نبود[؛] هر چند که جدایی و قطع ارتباط کامل محقق نگشت.
کاربرد برخی اصطلاحات محاوره‌ای به جای اصطلاحات ادبی.
مانند: به این خاطر، به خاطر این که، در رابطه با...
استفاده از جملاتی که از روانی و رسایی لازم برخوردار نبوده و دارای وضوح معنایی نیز
نمی‌باشند.
مانند: در رابطه با درجه حرارت، وضع معیار سنجش، پس از تعیین درجه حرارت یا
سردی در رابطه با هر کلمه به شکل زیر ممکن است.
استفاده مکرر از یک واژه در یک جمله.
مانند: اما تفاوت این روش با نظریه تحلیلی این است که در تعریف، از قاعده ارسطویی
پیروی می‌کند که تعریف دقیق را تعریفی می‌داند که کلمه قابل تعریف را در جنسی قرار
می‌دهد...
استفاده مکرر از دو فعل پشت سر هم. (این مورد به وفور در اثر به چشم می‌خورد)
مانند: این روش به نظریه تحلیلی نزدیک است که در پی حصر ویژگی‌های تشکیل دهنده
یا مجموعه مولفه‌هایی که محتوای کلمه را تشکیل می‌دهند، می‌باشد.
عدم کاربرد صحیح برخی اسامی لاتین
مانند: ورث به جای فرث (firth) *ماه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
بلومفید به جای بلومفیلد
لاینز به جای لاینز. *رتال جامع علوم انسانی*

۴. تحلیل ابعاد محتوایی اثر

تحلیل محتوای اثر به محقق کمک می‌کند تا لایه‌های پنهان و زیرین پدیده‌های مرتبط با
موضوع پژوهش را بدست آورده، به اهدافی که پژوهش در راستای آن انجام می‌گیرد،
نزدیک شود. (طالقانی، ۱۳۷۰: ۹۵)

چگونگی ارتباط از طریق نوشته تابع دو گونه ساختار در نوشته است که می‌توان از آن دو با نام‌های ساختار درونی و ساختار بیرونی یاد کرد. غرض از ساختار درونی روابط میان اجزاء و عناصری است که نوشته را هویت می‌بخشد و آن را قابل خواندن می‌کند. بدین منظور، یک نوشته م‌بایست از طریق ترکیب درست کلمات، عبارات، جملات، بندها، فصل‌ها، تدابیر تصویری، و جز آن، "کل" واحدی را پدید آورد که به عنوان اثری مشخص و ممتاز از آثار مشابه دیگر از ساختاری سازمان دار و هدفمند برخوردار باشد.

۴-۱ نقد درون ساختاری

۴-۱-۱ نظم منطقی و انسجام کلی اثر

کتاب نیز مانند سایر فعالیت‌ها و آفریده‌های طبع و دست بشر باید ساختمان منطقی معقول داشته باشد یعنی سازواری و انسجام منطقی درونی. در خصوص اثر حاضر می‌توان گفت که مطالب آن تا حد زیادی پراکنده و بدون انسجام است که این مساله با نگاهی گذرا به فهرست تفصیلی مطالب به سهولت قابل استنباط است. فهرست تفصیلی اثر که مطالب هر فصل را به صورت خیلی جزئی و ریز و بدون دسته بندی منطقی، فهرست بندی کرده موجب شده که به خواننده چنین القا شود که در متن کتاب، مطالب ارتباط چندانی با هم نداشته و گاه مطالب گسیخته از عناوین فصل به نظر می‌رسند این پراکندگی بویژه در میان برخی فصل‌ها به وضوح قابل مشاهده است. برای نمونه مطالب مندرج در بخش اول که اختصاص به کلیات دارد و بخش دوم که اختصاص به رویکردهای بررسی معنا دارد، از نظم مناسب منطقی برخوردار است. پس از این بخش‌ها به نظر می‌رسد شایسته‌تر بود مولف وارد موضوع اصلی رشته شود و دو بخش را به معناشناسی واژگانی و معناشناسی جمله اختصاص دهد و در این دو بخش به بررسی تفصیلی معناشناسی از دیدگاه قدما و معناشناسان معاصر بپردازد. برای نمونه در فصل دوم از بخش اول که به نگرش تاریخی اختصاص دارد، مطالب بدون انسجام و نظم منطقی مطرح شده و سیر تاریخی مطالعات معنی‌شناسی از گذشته تا حال به صورت روشن ارایه نشده است. به نظر می‌رسد بررسی این سیر تاریخی با توجه به دیدگاه‌های صاحبان مکاتب مختلف معنایی بویژه مکتب ساختارگرایی و مکتب گشتاری در دوره معاصر، نظم و انسجام بیشتری به بحث بدهد. نمونه دیگری از عدم انسجام و نظم منطقی اثر در درون فصل‌ها، مباحث مربوط به بخش دوم یعنی رویکردهای بررسی معنا می‌باشد که به این بخش، شش فصل اختصاص داده

شده که در پنج فصل اول مهم‌ترین رویکردها، به تفصیل بیان شده و فصل ششم به بررسی رویکردهای دیگر پرداخته اما در این فصل که مطالب آن در دو صفحه تنظیم شده، بسیاری از رویکردهای مهم مورد غفلت واقع شده است. البته با توجه به این که این اثر، ترجمه است می‌توان گفت که مترجم تدوین و تبویب متن اصلی را رعایت کرده است.

۴-۱-۲ بررسی منابع اثر

سیستم ارجاعات و پانویس‌ها یا یادداشت‌های هر اثر باید زودپایب و معقول بوده و منابع استفاده شده در یک اثر علمی باید از اعتبار کافی برخوردار باشد. درخصوص اعتبار منابع به کار رفته در اثر می‌توان گفت که عمده منابع انگلیسی و منابع عربی، منابعی دست اول و معتبر هستند که البته منابع دست دوم نیز که بیشتر برای تبیین موضوعات بحث استفاده شده است، جزو منابع معتبر و جدید محسوب می‌شوند. به نظر می‌رسد با توجه به این که اثر تا حدودی، قدیمی محسوب می‌شود، اما مؤلف تا حد زیادی از منابع جدید موجود در زمانی که کتاب را تالیف کرده، استفاده نموده است. اما موضوع شیوه آدرس دهی (ارجاع) در تحقیق و پژوهش، شاید موضوعی بی‌اهمیت و جزئی به شمار آید، اما اهل مطالعه و تحقیق، پیوسته با آن روبرو هستند و محافل علمی در چگونگی اعمال آن اختلاف نظر دارند. کیفیت استنادات و ارجاعات اثر حاضر از جهت توجه به اصول منبع دهی علمی، تا حد زیادی خوب ارزیابی می‌شود؛ اما گاهی مشاهده می‌شود که استنادها یک‌دست نیستند. چرا که روش ارجاع مؤلف به شکل زیر است:

اسم اثر (اعم از کتاب یا مقاله)، شماره صفحه. در صورتی که مشاهده می‌شود گاهی به اسم مؤلف نیز ارجاع داده است. برای مثال در پاورقی صفحه ۱۴۹: اولمان، ص ۱۱۶ یا در صفحه ۱۵۹: ابن درستویه، ص ۸۳ و مواردی از این قبیل.

در مواردی نیز دیده می‌شود که مؤلف در ارجاع به منبعی که بلافاصله تکرار می‌شود، گاهی خود منبع را ذکر می‌کند و گاهی نیز از لفظ "همان" استفاده می‌کند. مثال:

پاورقی ص (۲۹-۳۰) 4. New Trends in Linnquistics, pp.124-124

۱. همان، ص ۱۲۴. The Principles of Semantics, ص ۲

۲. همان، ص ۲.

ص(۹۳)

Semantics, Lyons, 1/290.

Semantics, Lyons, 1/290. Semantic Field, pp.22,30

در صورتی که در چنین مواردی، باید منبع کامل نوشته شود و از لفظ همان استفاده نشود. اما نکته شایان ذکر آن است که مؤلف در همه استنادهایش جانب امانت را رعایت کرده و مترجم نیز تغییری در شیوه استنادها ایجاد نکرده و به اصل کتاب پایبند بوده است.

۴-۱-۳ تحلیل و بررسی اثر

اهداف اصلی هر کتابی از طریق مفاهیم نهفته در محتوای آن تأمین می‌شود. مهم‌ترین بخش نقد هر کتاب، ارزیابی محتوایی آن است که باید متخصصان هر رشته به آن مبادرت ورزند.

در اثر مورد نظر، مؤلف به تجزیه و تحلیل نسبتاً مناسب مطالب و بیان دیدگاه‌های مختلف پرداخته است. این دیدگاه‌ها عمدتاً تلفیق میان نظرات زبان‌شناسان پیشین عرب و زبان‌شناسان معاصر اعم از غربی و عربی می‌باشد. نویسنده تلاش دارد اصالت را در پژوهش‌های معناشناختی حفظ کند و به نوعی پیشگامی زبان‌شناسان اسلامی را در پرداختن به بحث‌های معناشناسی اثبات نماید. نحوه استفاده مؤلف از منابع و دیدگاه‌های دیگر، انتقادی و آگاهانه است. وی ابتدا ویژگی‌ها و محاسن دیدگاه‌ها را در مورد موضوع خاصی مطرح کرده و سپس ایرادات و اشکالات موجود در این دیدگاه‌ها را یادآوری می‌کند. نکته قابل ذکر آن است که در تجزیه و تحلیل دیدگاه‌ها و بیان محاسن و معایب آنها، نویسنده کاملاً جانب بی‌طرفی علمی را رعایت کرده است؛ اما چنان‌که پیشتر نیز اشاره شد در ارایه این دیدگاه‌ها نویسنده از چارچوب و دسته‌بندی مشخصی پیروی نکرده و مطالب را به صورت پراکنده آورده است. و با توجه به این که اثر حاضر، یک پژوهش توصیفی درباره معنی‌شناسی می‌باشد، نوآوری خاصی در آن مشاهده نمی‌شود. با وجود آن که نظریه علمی جدیدی در آن مطرح نشده اما مقایسه‌ای که میان نظرات قدیم و جدید انجام داده است، خلاقیت خاص مؤلف را در طرح مباحث معنی‌شناسی نشان می‌دهد که نتیجه آن اثبات ضمنی این مطلب است که آن چه که امروزه علوم انسانی غربی‌ها نامیده می‌شود، دستاورد غربیها نیست، بلکه کسانی که در ایجاد و توسعه این علوم سهیم بوده‌اند، به سوابق تمدنی مختلفی بویژه تمدن اسلامی منتسب هستند. چه بسا می‌توان نظریه‌های

دقیق کنونی را که دستاورد غربی‌ها خوانده می‌شود، با پژوهش‌ها و مطالعات موجود در تمدن اسلامی تطبیق داد.

با توجه به این که اثر حاضر در سال ۱۹۸۵ تالیف شده، نسبت به پژوهش‌های امروزی، اثری قدیمی محسوب می‌شود. چرا که تا به امروز، دانش معنی‌شناسی شاهد پیشرفت‌ها و تحولات زیادی بوده و مباحث و نظریه‌های جدیدی در آن مطرح شده است. اگر چه مؤلف اثر، گریزی به بنیانگذاران نظریه‌ها و رویکردهای موجود در علم معنی‌شناسی زده است؛ اما مقایسه اطلاعات ارایه شده در این کتاب، با جدیدترین پیشرفت‌های موجود در این دانش، ما را به این مطلب رهنمون می‌شود که اثر مورد نظر، پاسخگوی نیازهای روز نمی‌باشد.

در خصوص میزان انطباق و جامعیت اثر نیز می‌توان گفت محتوای کتاب کاملاً با عنوان آن مطابقت دارد. کلیه موضوعات مطرح شده در کتاب، درباره دانش معنی‌شناسی بوده و بی‌ارتباط با آن نمی‌باشد.

موضوعاتی که در فهرست اثر مطرح شده نیز تا حد زیادی با عناوین بخش‌ها تناسب دارد. بخش اول که به درآمد اختصاص یافته است، مباحث و مفاهیم عمده در معنی‌شناسی و تاریخچه مطالعات معنی‌شناسی را بررسی می‌نماید. در یک اثر پژوهشی مانند کتاب، اصل آن است که بخش یا فصل اول آن به ذکر کلیات و مفاهیم عمده در زمینه موضوع مورد نظر اختصاص یابد که اثر مورد نظر نیز از این قاعده پیروی کرده است.

در بخش دوم با عنوان "رویکردهای بررسی معنا" نویسنده برای تعیین چارچوب کلی نظری معنی‌شناسی مهم‌ترین نظریه‌های موجود در حوزه معنی‌شناسی را بررسی کرده است. اگر چه از برخی نظریه‌ها، غفلت نموده است. نظریه‌هایی مانند: نظریه تحقیق‌پذیری منطقی در معنی، نظریه استعمالی، نظریه مور-کواین.

بخش سوم نیز که در آن انواع روابط معنایی بررسی شده است، کاملاً متناسب با عنوان کتاب یعنی "مسائل تعدد معنایی" می‌باشد و خواننده با نگاهی به عنوان بخش به سهولت پی می‌برد که نویسنده چه مباحثی را در متن کتاب بررسی کرده است.

اما عنوان بخش چهارم "بررسی تاریخی تطبیقی" تناسب چندانی با مطالب و موضوعات مطرح شده در این بخش ندارد. و خواننده به سهولت نمی‌تواند موضوعات و موارد مطرح شده در این بخش را حدس بزند. در واقع عنوان مبهم و نامشخص است. اگر چه هر دو فصل این بخش با عنوان تغییر معنا (فصل اول) و مشکلات دلالت در ترجمه (فصل دوم) کاملاً با محتوا تناسب داشته و بر مطالب بحث شده در آن دلالت می‌کنند.

اما در نگاه اول نمی‌توان پی برد که در بخش چهارم (بررسی تاریخی تطبیقی) موضوعات تغییر معنا و مشکلات دلالت در ترجمه مطرح شده است.

۴-۲. نقد برون ساختاری

۴-۲-۱. میزان سازواری با مبانی و پیش‌فرض‌های مفروض اثر

معنی‌شناسی زبانی که بخشی از دانش زبان‌شناسی به شمار می‌آید، در آن به خود زبان توجه می‌شود. (بورشه، ۱۳۷۷: ۲۰۰) در واقع معنی‌شناسی با مطالعه معنی به دنبال کشف چگونگی عملکرد ذهن انسان در درک معنی از طریق زبان است.

سطوح مختلف زبان‌شناسی هر کدام، واحد خاصی را برای مطالعه در نظر دارد. در آواشناسی "آوا" مهمترین واحد مطالعه یه آواشناس است. در علم صرف، "تکواژ و واژه" و در واج‌شناسی، "واج" و در نحو نیز جمله واحد مطالعه به شمار می‌رود. اما معنی‌شناسی در کنار اینها، به عوامل دیگری مانند تکیه، نقش آهنگ صدا، ضرب آهنگ، سرعت در گفتار و غیره نیاز دارد تا استنباط معنا به درستی صورت گیرد. و واحدی برای معنا به شمار آیند. از مهم‌ترین موضوعات معنایی که زبان‌شناسان و معناشناسان به آن پرداخته‌اند، مساله دال و مدلول و رابطه‌ی بین آن دو است. این قضیه در ابتدای طرح آن در مطالعات زبانی محدود به لفظ و معنی بود و با گسترش حوزه معنی‌شناسی اصطلاحات دال و مدلول جای لفظ و معنی را گرفت.

سوسور مطالعات گسترده‌یی را به بررسی دال و مدلول اختصاص داد و اصطلاح نشانه‌ی زبانی را به رابطه بین دال و مدلول اطلاق نمود. دال همان ارزش آوایی یا تصویر صوتی است و مدلول همان محتوای ذهنی یا فکری یا همان تصور معنایی ما از هر یک از مصداق‌ها به حساب می‌آید. (صفوی، ۱۳۸۳: ۳۹)

معناشناسی، براساس تعیین رابطه بین دال و مدلول استوار است و آن رابطه‌یی است که نمی‌توان بدون آگاهی از ماهیت هر یک از دال و مدلول ویژگی‌های آن را محقق ساخت. در این چارچوب: «دال زبانی» در هیچ حالتی نمی‌تواند ما را به شیئی که در جهان خارج مدّ نظر دارد، به طور مستقیم ارجاع دهد، بلکه گذر از مدلول یا همان محتوای ذهنی ما را به شیئی که نشانه‌ی زبانی به آن اشاره می‌کند، ارجاع می‌دهد. (نیازی، ۱۳۸۳: ۱۵۹)

اگر زبان‌شناسی، اهتمام خود را به بررسی «دال» از جنبه‌های مختلف آن متمرکز نموده است، در مقابل معنی‌شناسی به طور اخص به جنبه‌ی مفهومی دال توجه دارد و در ضمن مباحثش به رابطه‌ی می‌پردازد که مدلول با اشیاء و دیگر مدلولات داخل بافت زبانی برقرار

می‌کند. موریس ابوناظر در این خصوص می‌گوید: «معنی شناسی علمی است که به بررسی دلالت‌های زبان‌شناسی و به طور اخص جنبه‌ی معنایی این دلالت‌ها یعنی مدلول می‌پردازد و مدلول در سایه‌ی این علم از چندین جنبه مورد بررسی می‌شود؛ جنبه‌ی اول: در روابطی که مدلول با اشیائی که به آنها اشاره می‌کند یا مفاهیم - عواطف - داده‌های جهان خارجی بیانگر آنها هستند، تجلی می‌یابد. جنبه دوم: در روابطی متجلی است که مدلول با دیگر مدلولات برقرار می‌کند. جنبه سوم: در روابطی متجلی است که بین مشخصه‌های اساسی که مدلولات از آنها تشکیل می‌شوند، صورت می‌گیرد (ابوناظر، ۱۹۹۰: ۳۱-۳۰).

با توجه به برخی از مبانی علم معنی‌شناسی که به آن اشاره شد می‌توان گفت که اگر چه کتاب احمد مختار عمر و محتوای آن نسبت به پیشرفت‌های سی ساله‌ی علم معنی‌شناسی قدیمی است؛ اما عمدتاً با مبانی و پیش فرض‌های علم معنی‌شناسی مطابقت دارد. هرچند در مواردی نیز عدم هماهنگی با این اصول و مبانی مشاهده می‌شود و آن هنگامی است که درباره فقه اللغه قدیم بحث کرده و آن مباحث را با موضوعات جدید تطبیق داده است. به تعبیر دیگر لغت‌شناسی که در قدیم مطرح بوده (فقه اللغه) را با بحث معنی‌شناسی واژگانی احیاناً خلط کرده است. به تعبیر دقیق‌تر مؤلف از دو نوع پیش فرض استفاده کرده است:

مفروضات قدما

مفروضات معنی‌شناسان معاصر؛ که این دو لزوماً با هم همخوانی ندارند.

۴-۲-۲ میزان سازواری با مبانی و پیش فرض‌های اسلامی

در بسیاری از بخش‌های این اثر، مباحثی مطرح شده که حاکی از آن است که این کتاب و مباحث موجود در آن با مبانی و اصول دینی و اسلامی سازگاری و تطابق کامل دارد. برای نمونه می‌توان به موارد زیر از بخش سوم اشاره کرد:

در فصل اول با عنوان مشترک لفظی، ابتدا به معرفی تفصیلی آثاری که در ارتباط با مشترک لفظی در قرآن و حدیث نبوی نوشته شده، پرداخته است و سپس مباحث مختلف مرتبط با اشتراک لفظی را مورد بحث و بررسی قرار داده است.

در فصل دوم با عنوان اضداد، مؤلف بخشی را به طور مستقل به اضداد در قرآن کریم اختصاص داده که در این بخش، پس از بحث نسبتاً مفصلی در ارتباط با کتبی که در ارتباط با اضداد در قرآن نوشته شده، واژگانی را که در قرآن کریم، معنای کاملاً متضاد دارند، مانند واژه "عسعس"، "مقوی" و "أسروا" از دیدگاه علمای اهل لغت بررسی کرده است.

در فصل سوم از این بخش در بررسی دیدگاه‌های مختلف در ارتباط با پذیرش و عدم پذیرش ترادف، ضمن معرفی آثاری که به بحث در زمینه ترادف در قرآن کریم پرداخته‌اند، آیاتی از قرآن را به عنوان شاهد مثال برای پذیرش ترادف البته با لحاظ شرایط خاص خود آورده است.

آیاتی مثل: «تالله لقد آثرک الله علینا» (یوسف/۹۱) با «و انسی فضلکم علی العالمین» (بقره/۴۷) که به ترادف (آثر و فضل) با لحاظ شرایطی اشاره می‌کند.

۵. ارزیابی ترجمه اثر

ارزیابی کیفیت ترجمه بحثی است که این روزها در مباحث مطالعات ترجمه باب شده، ولی این کار امر نوظهوری نیست. خوانندگان و منتقدان ترجمه همیشه کیفیت ترجمه‌ها را نقد یا ارزیابی می‌کرده‌اند. محققان مطالعات ترجمه روش‌های متفاوتی برای داوری در مورد ترجمه پیشنهاد کرده‌اند. تفاوت عمده میان روش قدیم و روش‌های جدید این است که در گذشته داوری درباره ترجمه اساساً امری نظری یا ذوقی تلقی می‌شد. البته منتقد در تأیید نظر ذوقی یا استحسانی خود به مواردی از ترجمه هم استناد می‌کرد و در اثبات نظر خود استدلال هم می‌کرد ولی داوری او در نهایت مبنایی ذوقی یا غیرکمی داشت که با عباراتی کلی هم بیان می‌شد. در روش جدید هدف این است که ترجمه‌ها را با ملاک‌هایی عینی ارزیابی کرده و نتایج ارائه شده به شکل کمی را تفسیر کیفی کنند. ارزیابی کمی ترجمه که اساساً کاری خلاق و کیفی است به همان مقدار که جالب به نظر می‌رسد دشوار است، بخصوص اگر متن مورد ارزیابی ترجمه‌ای ادبی باشد.

۵-۱ امانت‌داری مترجم

اصولاً امروزه در نقد نباید دیگر صحبت بر سر میزان امانت‌داری مترجم باشد. به دلیل که این بحث مبتنی بر پیش فرض‌هایی از این قبیل‌اند که نویسنده مرجع اصلی است، اصالت از آن وی است و مترجم لزوماً تابع اوست و ترجمه در بهترین حالت اثری فرعی و سایه‌ای از متن اصلی ترجمه شده را معادل متن مبدأ فرض کرده ایم و رابطه‌ای کمابیش ریاضی بین آنها قائل شده ایم. آنگاه ناخودآگاه به دنبال بقیه اجزا و سطوح این رابطه هستیم. منظور این نیست که رابطه‌ای بین این دو نیست یا امانت‌داری مفهومی مردود است؛ بلکه این رابطه معادله نیست و امانت‌داری تعریفی دیگر دارد. امانت‌داری در پرتو عرف و سیاست رایج

تعریف دیگری پیدا کرده است. منظور این است که تعریف همه این معیارها تابع چارچوب نظری ای است که برای قضاوت به کار برده می‌شود.

برای بررسی ترجمه کتاب معنی‌شناسی، ده درصد از متن ترجمه شده به صورت تصادفی انتخاب و با متن فارسی مطابقت داده شد تا میزان رعایت امانت از ناحیه مترجم و حذف و اضافه‌های احتمالی مشخص گردد که در این راستا مشخص شد که مترجم کاملاً جانب امانت را رعایت کرده و صد در صد مقید به متن اصلی بوده است. هیچ گونه حذف و اضافه‌ای تعدداً صورت نگرفته است. اما به ندرت تغییراتی به اشتباه دیده می‌شود که به نظر می‌رسد سهواً صورت گرفته است: به عنوان مثال:

در فصل اول از بخش دوم (نظریه ارجاعی و تصویری، ص ۵۳)

هنگامی که رابطه دال و مدلول و مرجع به شکل مثلث ترسیم شده است. در ترسیم این مثلث رابطه دال و مرجع به صورت نقطه چین است. چرا که رابطه این دو از طریق مدلول برقرار می‌شود. در ترجمه اثر، این جنبه رعایت نشده و خط صافی میان دال (کلمه) و مرجع (شی خارجی) ترسیم شده است.

نکته دیگر آن که اثر اصلی، واژه‌نامه تخصصی دو زبانه (عربی - انگلیسی) دارد ولی در ترجمه واژه‌نامه دیده نمی‌شود. ضروری بود که در ترجمه اثر این واژه‌نامه سه زبانه می‌شد. یعنی واژه‌ها به فارسی نیز ترجمه می‌شد.

۲-۵ کنترل واژگان تخصصی متن

معادل سازی برای اصطلاحات تخصصی در کتاب اهمیت بسیاری دارد که کیفیت آن باید ارزیابی شده، مشخص شود که آیا نویسنده در واژه‌گزینی و معادل‌یابی موفق بوده است یا نه؟ بویژه در اصطلاحات کتاب‌های علوم انسانی که معمولاً از زمینه‌های فکری و فرهنگی جامعه‌ها سرچشمه می‌گیرد ارائه تعریفی گویا از معادل‌های برگزیده در پایان کتاب می‌تواند از محاسن کتاب شمرده شود.

برای کنترل واژگان تخصصی اثر حاضر، فصل سوم و چهارم از بخش دوم کتاب به عنوان نمونه انتخاب شد که با بررسی ترجمه مواردی مشاهده شد که معادل‌یابی دقیق و درستی در برگردان از زبان عربی به فارسی صورت نگرفته بود. به عنوان مثال:

توافق الوقوع معادل دقیق آن "همنشینی" است که "همخوانی مجموعه" ترجمه شده است. نظریه الرصف: معادل دقیق آن "نظریه مجموعه‌ها" است که "نظریه مجموعه" ترجمه شده است.

الوقوع المشترك: معادل دقیق آن " با هم آبی " است که به اشتباه " مشترک " ترجمه شده است.

الانثربولوجی: معادل دقیق آن " مردم شناس " است که " انسان شناس " ترجمه شده است. اللفظ الأعم: معادل دقیق آن " چند معنایی یا پر معنایی " است که " لفظ عام " ترجمه شده است.

اللکسیم الرئسی: به معنای " واژه قاموسی اصلی یا واژه اصلی " است که به اشتباه " وحدت قاموسی اصلی " ترجمه شده است.

التضاد الاتجاهی: به معنای " تضاد جهت مند " است که " تضاد موصفی " (؟؟؟) ترجمه شده است.

۳-۵ بررسی ساختار و معنای جملات

ترجمه خوب و موفق آن ترجمه‌ای است که در کنار خصوصیات دیگر، بتواند مفهوم اصلی متن اصلی را برساند. برای این منظور باید مترجم نه تنها به زبان خود از دید ادبی وارد باشد تا بتواند مفهومی را که از متن خارجی گرفته است به طرز درستی به زبان خود بیان کند، بلکه باید چه با معلومات اکتسابی خود در تحصیل زبانی که از آن ترجمه می‌کند و چه از راه کمک گرفتن از کتاب‌های فرهنگ، مفهوم درست متن را دریابد.

در بررسی ترجمه کتاب معنی‌شناسی نیز مواردی یافت شد که ترجمه‌ها کاملاً تحت اللفظی و توأم با اشتباهاتی می‌باشد و ساختار جملات به شیوه جملات عربی بسیار طولانی ترجمه شده و ساختار کوتاه جملات فارسی در آن رعایت نشده است.

با بررسی فصل سوم از بخش دوم (نظریه بافت) مواردی مشاهده شد که مترجم محترم در کشف مقصود نویسنده گاهی دچار خطا شده است و به تبع آن ترجمه‌ها نادرست هستند. در زیر مواردی به عنوان نمونه ذکر می‌شود:

اللغه فی حرکتها، و المعنی کما یستعمل یمکن أن ینظر إلیهما علی أنهما شعار مزدوج لمدرسته الفکریه.

ترجمه مترجم: زبان - در حرکت خود- و معنا، همان گونه که به کار می‌روند، ممکن است به عنوان شعار دوگانه مکتب فکری‌اش نیز نگریسته شود.

در جمله فوق (کما یستعمل) فقط برای معنی به کار رفته است. در صورتی که در ترجمه برای زبان و معنی (هر دو) به کار رفته است.

کذلک جاء التایید من علم النفس حیث أید کثیر من علماء النفس النظره السیاقیه أو القرینیه.

ترجمه مترجم: همچنین تاییدی هم از جانب روان‌شناسی به نفع این نظریه شد که بسیاری از روان‌شناسان، نظریه بافتی یا قرینه‌ای را تایید کرده بودند.

ترجمه صحیح: این نظریه همچنین از دید علم روانشناسی تایید شد که به دنبال آن، بسیاری از روانشناسان نظریه بافتی یا قرینه‌ای را تایید کردند.

در صورتی که گویا برداشت مترجم محترم چنین بوده که علم روانشناسی از تایید این نظریه‌ها توسط روانشناسان پیشین خبر داده است.

و علی الرغم من اعتبار هذا الرأى امتدادا لنظريه السياق أو تطورا عنه فهناك من عده نظريه مستقله، نظرا لما تميزت به من احكام، و ما وضع لها من قواعد.

ترجمه مترجم: علی رغم اعتبار این رای که ادامه نظریه بافت یا تکامل آن است، چند نظریه مستقل وجود دارند که احکام و قواعد خاص خود را دارند.

ترجمه صحیح: علی رغم این که این نظریه را ادامه نظریه بافت یا شکل تغییر یافته‌ی آن دانسته‌اند، با این وجود برخی نیز با در نظر گرفتن این که این نظریه، اصول و قواعد خاص خود را دارد، آن را نظریه‌ای مستقل به شمار آورده‌اند.

و لذا يلجأ الى دليل الشكلى لإثبات عدم الملائمه و سيثبت الدليل الشكلى أن الحديد و النحاس و الذهب... تتقاسم عددا من الترابطات مثل الصلابه و الثقل و ...

ترجمه مترجم: بنابراین به دلیل ساختاری اثبات عدم هماهنگی روی می‌آورد و دلیل ساختاری را ثابت خواهد کرد که آهن و سرب و طلا... به تعدادی از روابط مثل سختی، سنگینی و ... تقسیم می‌شوند.

ترجمه صحیح: بنابراین، برای اثبات عدم سازگاری به نشانه‌های صوری روی می‌آورد و نشانه‌های ساختاری اثبات خواهد کرد که آهن، سرب و طلا... در تعدادی از روابط مثل سختی، سنگینی و ... با هم اشتراک دارند.

فإذا كان اللفظ فى صحبه آخر دائما فمن الممكن أن يستخدم هذا التوافق فى الوقوع كمعيار لاعتبار هذا التجمع مفرده معجميه واحده(تعبيرا)

ترجمه مترجم: اگر لفظی همیشه به همراهی لفظ دیگری بیاید، ممکن است این هماهنگی و همخوانی به منزله معیاری به اعتبار این همخوانی - از نظر تعبیر یک واحد قاموسی - به کار گرفته شود.

ترجمه صحیح: اگر واژه‌ای همیشه به همراه واژه‌ی دیگری به کار رود، ممکن است این همنشینی به عنوان معیاری به کار رود که بتوان این تجمع دو واژه را در بیان، یک واحد قاموسی در نظر گرفت.

۵-۴ سبک نگارش

سلامت نحو و نثر از نخستین بایستنی‌های یک اثر است. گاه بیماری نحو و نثر بر محتوا نیز اثر می‌گذارد و محتوا را بیمارگونه و بی‌ربط می‌نمایاند. در ترجمه اثر باید از هرگونه بی‌روشی و بی‌اعتدالی در نثر اثر - از جمله فارسی‌گرایی یا سره‌نویسی یا عربی‌زدگی یا فرنگی‌مآبی افراطی - پرهیز کرد. سبک و سلیقه شخصی و ذوق ورزی فقط تا حد معینی مجاز و مقبول است. همین‌طور واژگان‌سازی و واژگان‌بازی نباید از سر تفنن باشد، و محتوا یا شیوه عادی و عرفی اهل زبان را تحت‌الشعاع قرار دهد. به ویژه در زمینه‌هایی که معادل‌ها و مترادفات پسندیده و جا افتاده‌ای وجود دارد.

زبان میراث مشترک است و همه اهل زبان و اهل قلم در حفظ و انتقال آن مسئولیت مشترک دارند و تصرفات من درآورده در زبان جایز نیست.

در ترجمه اثر حاضر نیز ایراداتی در ساختار و سبک نگارش جمله‌ها مشاهده می‌شود که به برخی از آنها به عنوان نمونه اشاره می‌شود:

از واژگان تخصصی در رشته استفاده نشده است. بلکه عمدتاً از واژگان و تعابیر قدیمی برای بیان مقصود استفاده شده است. مثل استفاده از تنافر به جای ناهمسازی یا اشتغال به جای شمول معنایی. خود مولف هم در بسیاری موارد میان اصطلاحات قدما با اصطلاحات و تعابیر جدید زبانشناسی تمایزی ایجاد نکرده است. در زبان فارسی برای زبانشناسی واژه سازی شده است. به عمد از اصطلاحات قدما استفاده نشده است. مثلاً به جای صامت و مصوت از اصطلاح همخوان و واکه استفاده می‌شود.

جمله بندی‌ها در ترجمه دچار عربی‌زدگی هستند.

مثال: به عنوان مثال کودکی که واژه "عمو" را با هر مردی به کار می‌برد... بهتر بود گفته می‌شد برای هر مردی. به نظر می‌رسد با در نظر گرفتن "مع" در عربی چنین ترجمه شده است.

ترکیب‌های واژگانی از حسن تالیف و چینش مناسب برخوردار نیستند.

همچنین می‌توان به فعل "کشت" اشاره کرد که دامنه وسیعی دارد و تعداد زیادی از واژگانی را در برمی‌گیرد که به حسب مورد اشاره مثل "انسان، حیوان و حشره" و یا به حسب نوع کشتن مثل "به تنهایی یا دسته جمعی فرق می‌کند.

گاهی زنجیره عبارت‌ها به صورت پراکنده و نسبتاً بی‌معنا به هم متصل است.

کوتاهی آشکار در محدود ساختن واژگان حتی به نسبت فرهنگ‌های متاخر از آنها.

یکپارچگی تلاش‌های دانشمندان و پژوهشگران و همکاری آنها با هم در کار فرهنگ‌نویسی، و به پایان آمدن دوران کار فردی؛ بعد از آن که فرهنگ‌نویسی به فنی بدل گشت که بر جمع‌گران می‌آمد چه رسد به ... در واژه‌گزینی از واژگان، حسن ذوق وجود ندارد. می‌توان معیاری وضع نمود تا مهم‌ترین را از حاشیه‌ای‌ترین سنجید، اما اگر قصد وضع حد فاصلی بین دو نوع باشد، تا حدودی تحکمی خواهد بود. در این گونه جمله‌ها مترجم تلاش کرده مقصود را برساند اما واژه‌ها را خوب انتخاب نکرده است.

ترکیب‌های واژگانی مشابه اسلوب رایج زبان عربی تلگرافی ترجمه شده است. مثال: حوزه گرما و سرما؛ که بهتر است گفته شود حوزه معنایی دو واژه گرما و سرما.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

با توجه به موارد مطرح شده در پژوهش حاضر می‌توان گفت که: داوری درباره کتاب مستلزم ارزیابی همه جانبه و نقد و بررسی کتاب از جنبه‌های گوناگون؛ از جمله محتوایی، زبانی، ساختاری و شکل ظاهری است. توفیق نسبی یک کتاب نتیجه حاصل جمع امتیازهایی است که آن کتاب در زمینه‌های مختلف به دست می‌آورد. عمر انتشار کتاب‌هایی که نقد و معرفی می‌شوند نباید بیش از دو سال باشد. مناسب‌تر است که مرور کتاب فقط شامل کتاب‌های جدیدی باشد که در هر سال منتشر می‌شوند. در صورتی که کتاب حاضر، اثری قدیمی محسوب می‌شود. لذا پیشنهاد می‌شود در این زمینه کتاب‌های جدیدتر برای نقد و بررسی انتخاب شوند. اثر حاضر فقط به عنوان یک کتاب کمک‌درسی می‌تواند برای دروس فقه‌اللغه، واژه‌شناسی و معادل‌گزینی در ترجمه و زبان‌شناسی کاربردی و ترجمه استفاده گردد؛ اما جامعیت یک کتاب درسی را ندارد؛ چرا که با توجه به این که مباحث آن در حدود ۲۵ سال پیش تنظیم شده و در مقایسه با تحولات اخیر در حوزه معنی‌شناسی، تاحدی قدیمی محسوب می‌شود. طی سال‌های اخیر معنی‌شناسی ابعاد خاصی را به خود گرفته که از آن پژوهش‌های اولیه خارج و دامنه بحث در آن گسترش یافته است. چرا که حلقه‌های مبحث معنی‌شناسی نوین، هنوز کامل نشده و همواره افزوده‌های علمی وجود دارد که تاویلات و تفسیرات جدیدی برای پدیده‌های زبانی مرتبط با معنی ارائه می‌کند. از سویی نیز با توجه به عدم انسجام مباحث مطرح شده در این کتاب و عدم دسته‌بندی موضوعات، به نظر نمی‌رسد دانشجو بتواند به عنوان کتاب درسی از این اثر به طور کامل

بهره بگیرد بلکه می‌توان به صورت یک کتاب کمک درسی به دانشجوی معرفی کرد. مطالب این اثر و بویژه فصل دوم از بخش چهارم که مشکلات دلالت را در ترجمه بررسی نموده تا حدی با آخرین سرفصل‌های مصوب وزارت علوم برای دروس مورد نظر مطابقت دارد. اما بهتر بود برای یادگیری بهتر دانشجوی مواردی نیز به عنوان تمرین درسی مد نظر قرار می‌گرفت که در اثر مذکور دیده نمی‌شود. اما از مثال، جدول و نمودار به قدر کفایت، به موقع و مناسب بهره گرفته است.

این اثر همسو با ارزش‌های اسلامی می‌باشد. اما در این زمینه می‌توان گفت که مقوله معناشناسی جزو مقوله‌های صد در صد فرهنگی به شمار نمی‌آید که این اثر در این زمینه تاثیرگذاری خاصی را ایفا کند. هر چند به نظر می‌رسد در بخش مربوط به مترادف و اضداد می‌توانست به صورت کاربردی تر به مسائل جدیدی که در فضای جامعه اسلامی امروز مطرح است بپردازد. مسائلی از این قبیل که آیا وجود مترادف با پذیرش اعجاز بیانی قرآن در تضاد است یا نه؟ یا این اثر می‌توانست با طرح مباحثی در زمینه بلاغت قرآن کریم در بالا بردن دقت معنایی از واژگان قرآن کریم به خواننده کمک کند.

منابع

قرآن کریم.

- باقری، مهر (۱۳۸۳). مقدمات زبان‌شناسی، تهران، نشر قطره، چاپ هفتم.
- بورشه، ت (۱۳۷۷). زبان‌شناسی و ادبیات: تاریخچه چند اصطلاح، ترجمه کورش صفوی، تهران، هرمس.
- بیروت، منمختارات، ط. اول انوری، حسن و علی محمد پشت دار (۱۳۷۷). آیین نگارش و ویرایش ۲، تهران، دانشگاه پیام نور
- حاجی زاده، مهین (۱۳۸۸). دستور نویسی و زبان‌شناسی عربی، جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، چاپ اول.
- سعران، محمود (۱۹۹۷). علم اللغة (مقدمه للقاری العربی)، قاهره، دار الفكر العربی.
- صفوی، کورش (۱۳۸۳). درآمدی بر معنی‌شناسی، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، چاپ دوم، طالقانی، محمود (۱۳۷۰). روش تحقیق نظری در علوم اجتماعی تهران: دانشگاه پیام نور.
- ضیاء حسینی، محمد (۱۳۸۹). مبانی زبان‌شناسی، رهنما، چاپ دوم.
- کاردان، علی محمد (۱۳۸۲). «نقش کتاب دانشگاهی و ویژگی‌های آن»، سخن سمت، شماره ۱۰، تهران: سمت. (عمر، احمد (۱۹۸۲). علم الدلاله، مکتبه دار العروبه، الطبعه الأولی، عبدالسلاللسانیات و أسسها المعرفیه، تونس، المطبعه العربیه.

نیازی، شهریار (۱۳۸۳). پژوهشی تاریخی - معنایی درباره الاسماء الحسنی، تهران، قدیم، چاپ اول.

<http://shamela.ws/index.php/author>